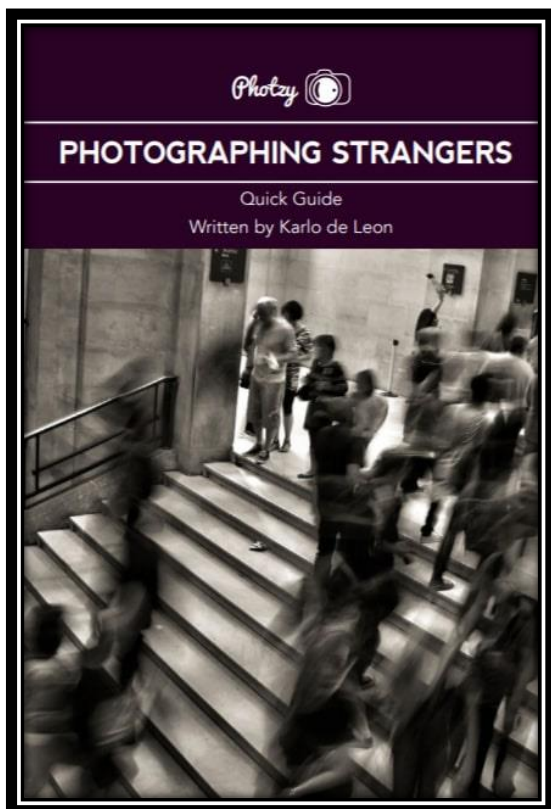


آموزش عکاسی خیابانی

چطور از غریبه ها عکاسی کنیم؟

کارلو. دی. لئون





کتاب عکاسی از غریبه ها

نوشته کارلو دی لئون

انتشار رایگان در سایت [فوتزی](http://photzy.com)

ترجمه و عکس ها : [مهدی بردبار](http://mehdiii.com)

انتشار نسخه فارسی : <https://mehdiii.com/>

دوست عزیز سلام

اگه خوندن این کتاب رو شروع کردی یعنی به عکاسی
خیابانی و عکاسی از غریبه ها و رهگذرای توی خیابون
علاقه داری.

و شاید درگیر این سوال شده باشی که چطور به کسایی
که باهاشون تا به حال آشنایی نداشتی، نزدیک بشی؟!
و یا حتی بدون اجازه عکسشون رو بگیری؟

خود منم در ابتدای کار با این سوال ها و ترس ها
روبرو شدم. اما مطالعه چند کتاب خیلی بهم کمک کرد
تا بتونم بر این مشکل و ترس غلبه کنم.

یکی از اون کتاب ها، همین کتاب "عکاسی از غریبه ها" هست که در سایت فونتزی منتشر شده. پس تصمیم گرفتم ترجمه این کتاب رو در اختیار دوستان علاقمند قرار بدم. شاید برای دیگران هم راهگشا باشه. در ضمن برای اولین بار از عکس های خودم در کتاب استفاده کردم. خوشحال میشم نظرت رو درباره عکسا بدونم. و مثل همیشه امیدوارم نواقص ترجمه رو بهم گوشزد کنی.

ارادت

مهدی بردبار



مقدمه

ژانرهای مختلف عکاسی مثل عکاسی خیابانی،
عکاسی اجتماعی، عکاسی پرتره و ... نیازمند
نزدیک شدن به انسان های غریبه و ناآشنا، و جلب
اعتماد و عکاسی از اونا میشن.

مثلا ممکنه برای تکمیل شدن ترکیب بندی در
عکس، نیاز به حضور عنصر انسانی به عنوان بخشی
از قاب داشته باشی.

یا شاید به عکاسی خیابانی علاقه داری و نمیدونی
چطور جسارت نزدیک شدن به رهگذارای تو
خیابون رو به دست بیاری.

من شخصاً با عکاسی از غریبه ها یه جور رابطه
عشق- نفرت دارم! با توجه به اینکه بیشترین بخش
فعالیت عکاسی من معطوف به عکاسی در سفره ،
من سوژه ای جز غریبه ها ندارم!

من در ابتدا عکاس معماری بودم و معمولاً عکسام
خالی از عناصر انسانی بود. به سختی انسانی در
عکسام حضور داشت.

یه بخشی از این اجتناب از عکاسی از انسان ها، به
ترس من از برخورد با افراد غریبه برمیگشت.

تصور من این بود که اگه از شخصی که باهاش
آشنایی ندارم عکاسی کنم، اون شخص از کار من
جلوگیری میکنه و یا با من برخورد بدی میکنه.

اما بعد به این نتیجه رسیدم که جای عناصر انسانی
در عکسهای من خیلی خالیه. بنابراین مجبور شدم
راهی برای غلبه بر این ترس پیدا کنم.
این کتاب یه راهنمای فنی در مورد نحوه عکاسی از
غریبه ها نیست.

اینجا من بیشتر درباره تجربه شخصی خودم حرف
میزنم و نکاتی که در طول این سالها یاد گرفتم رو
باهات در میون میذارم. که فکر کنم بهت کمک
میکنه عکسای بهتری بگیری.

پس بزن بریم!

کارلو دی لئون



بخش اول : نظام “باور”

بیشتر چیزایی که از شون می ترسیم ، از جمله
برخورد با افراد غریبه، بخشیش به عقاید از پیش
تعیین شده ما درباره افراد ربط داره .

من در نهایت فقط زمانی تونستم به ترس عکاسی از
غریبه ها توی خیابون غلبه کنم که دنبال معنای
زندگی رفتم .

زمانی که با مفهوم سیستم های اعتقادی و نظام باور
آشنا شدم .

بذار مختصری درباره این مفهوم حرف بزنیم .

نظام های باور یا Belief Systems

الگوهای فکری ما درباره خودمون و جهان
اطرافمون هستن. چیزهایی که ما به عنوان
حقیقت قبول داریم.

بیشتر چیزای که ازشون هراس داریم، به همین
الگوهای از پیش تعیین شده برمیگردن. ترس از
برخورد با افرادی که نمیشناسیم هم جزو همین
سیستم ها میشه.

بچه که بودیم بزرگتره درباره حرف زدن با غریبه
ها به ما بیشتر هشدار میدادن.

از کودکی این باور در ما شکل گرفته که غریبه ها
افراد قابل اعتماد و خوبی نیستن. پس همیشه روابط
ما به دایره اطرافیان محدود میشه.

ما این باور رو همچنان در بزرگسالی هم ادامه
میدیم و معمولا کم پیش میاد که بخوایم این باور رو
به چالش بکشیم.

البته واضحه که والدینِ خوش فکرِ ما! هدفشون از
این کار تزریق اضطراب و ترس در وجود ما نبوده و
فقط میخواستن از ما محافظت کنن.

اما به عنوان یه بزرگسال، پرهیز از صحبت کردن با
غریبه ها میتونه یه محدودیت بزرگ باشه.
بگذریم.

به هر حال این کتاب قرار نیست کتاب راهنمای
فرزندپروری باشه!

توی این کتاب تمرکز ما بیشتر روی اینه که چگونه
بر این عدم تمایل و یا هراس غلبه کنیم. تا بتونیم با

غریبه ها تعامل خوبی داشته باشیم و عکس های
بهتری هم بگیریم.

انسان شناسی

میگن که عکاسی دو بخش داره: بخش فنی و بخش
هنری.

بخش فنی شامل دانش و اطلاعات فنی در رابطه با
دوربین، لنز و ... میشه که به ثبت یه عکس واضح و
خوب کمک میکنه.

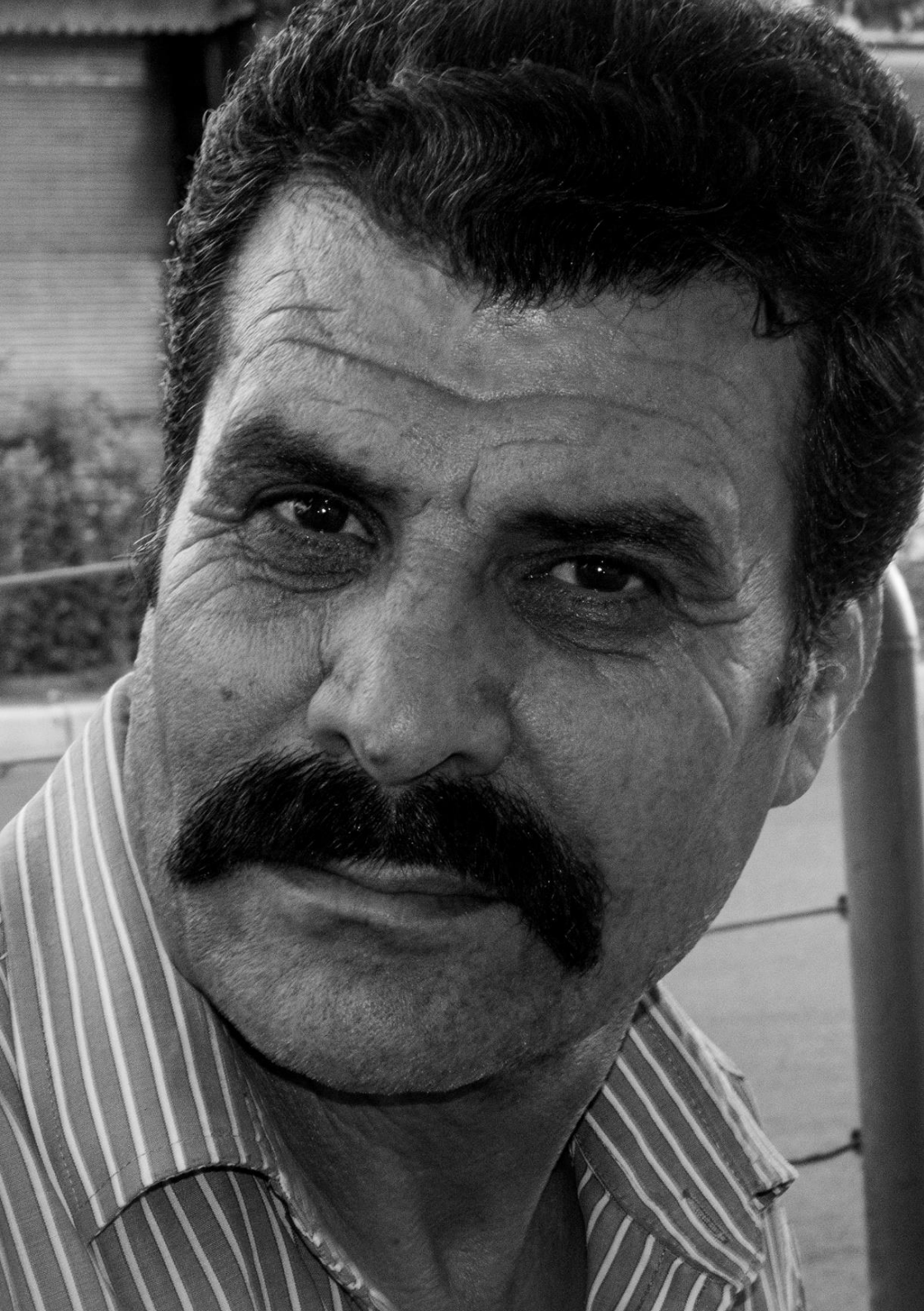
بخش هنری، شامل نگاه هنرمندانه و خلاق عکاس
هست که با استفاده از دانش فنی یه اثر هنری رو به
وجود میاره.

این تعریف به نظرم کامل نمیاد. چون از نظر من
عکاسی یه بخش دیگه هم داره: جنبه رفتاری!

شناخت سوژه

چند وقت پیش توی اخبار دیدم که یه خانم که قصد
داشته از یه گوزن عکاسی کنه، مورد حمله اون
گوزن قرار گرفته.

این خانم احتمالا دانش و تجربیاتی در زمینه فنی و
هنری عکاسی داشته، اما بدون شک اطلاعی درباره
گوزن ها نداشته و طوری رفتار کرده که توی
دردسر افتاده.



عقیده شخصی من در یادگیری عکاسی اینه که قبل از عکس گرفتن، باید درباره سوژه ات مطالعه کرده باشی و اونو بشناسی. این طوری راحت تر باهаш ارتباط برقرار میکنی و کنار میای.

هر چه سوژه رو بهتر بشناسی، زمان عکاسی میتونی رفتار مناسب تری داشته باشی که منجر به ارتباط بهتری هم بشه.

شناخت نه تنها سوژه، بلکه محل عکاسی و رفتار ساکنین اون منطقه، بهت کمک میکنه راحت تر موقعیت های عکاسی رو به وجود بیاری و عکسای بهتری هم بگیری.

و البته خودت هم لذت بیشتری در حین عکاسی ببری.

نکته: مطالعه انسان ها بهت کمک میکنه رفتار
بهتری در مقابلشون داشته باشی. جامعه شناسی،
روانشناسی و انسان شناسی باعث میشه درک بهتری
از کارکرد ذهن و رفتار و واکنش های انسان ها
داشته باشیم.

چون بحثمون درباره رفتار هست، بذار یه کم جلوتر
بریم.

رفتار

ما با آدمای مختلف به شیوه های متفاوتی رفتار
میکنیم. رفتاری که من موقع عکاسی توی خیابون در
مواجهه با یه انسان دارم، ممکنه به کلی با رفتاری که
تو داری متفاوت باشه.

این بستگی به شخصیت و طرز فکر آدم داره.
ممکنه یه نفر با یه انسان به ظاهر خشن، که سرتاسر بدنش تتو و پیرسینگ داره، خیلی راحت گرم بگیره و ارتباط برقرار کنه.

درحالیکه ممکنه دیدن همچین آدمی، یه کس دیگه ای رو فراری بده. این به خاطر درک و تفسیر متفاوت ما از ظاهر، رفتار، حرکات بدن، طرز صحبت کردن و... دیگراشه.

تا حالا واست پیش اومده که نظری که در اولین برخورد با یه کسی نسبت به اون داشتی به کلی اشتباه بوده باشه؟

من خیلی ها رو دیدم که ظاهری خشن و جدی دارن،
اما وقتی باهاشون سر حرف رو باز کردم دیدم چقدر
آدمای خوب و ساده ای هستن.

قضاوت شتاب زده

ما آدمای خیلی سریع و قاطع قضاوت میکنیم و بر
مبنای اون قضاوت عجولانه و عصبی، تصمیم
میگیریم.

انگار به کلی فراموش میکنیم که در واقعیت
اطلاعات کاملی و درستی از دیگران نداریم. ما فقط
ظاهر بقیه رو میبینیم و بقیه رو با توجه به ذهن و
طرز فکر خودمون قضاوت میکنیم.

نکته: وقتی درک کنیم که تفسیر اولیه ما از آدم ها
چقدر میتونه اشتباه باشه، نگرش و رفتار ما با
دیگران به کلی تغییر میکنه!

اگه تو در مواجهه با غریبه ها احساس ناراحتی و
اضطراب میکنی، باید بدونی که در درون خودت یه
باور نسبت به غریبه ها داری. و اون باور باعث ایجاد
حس بد در تو شده.

پس اگه بفهمی اون باور بر اساس واقعیات نیست،
میتونی کم کم تغییرش بدی.

اما چطور باید این کار رو کرد؟
چطور این باور رو تغییر بدیم؟



بخش دوم :

تغییر نگرش و اعتمادسازی

تغییر دادن نگرش و طرز فکر به همین سادگیا نیست. تو باید ذهنت رو به این نگرش جدید عادت بدی.

بین، مثلا در عکاسی، زاویه دید و پرسپکتیو خیلی تاثیرگذاره. یه ذره تغییر در پرسپکتیو به کلی داستان عکس رو تغییر میده.

چند اینچ جابه جایی دوربین به چپ و راست میتونه عناصری رو به عکس اضافه کنه که باعث تقویت و یا ضعف کل عکس بشن.

درباره ذهنیت و طرز فکر ما آدما هم این موضوع
صدق می‌کند. ما اگه در مواجهه با غریبه‌ها به این
احتمال فکر کنیم که این انسان‌ها زوایای دیگه‌ای
هم دارن که میتونه خیلی بهتر از ظاهرشون باشه،
میتونیم به شکل دیگه‌ای به اونا نگاه کنیم.
این تغییرِ نگرش، با تجربه و تکرار قوی‌تر هم
میشه.

اعتمادسازی

پیدا کردن راهی که باعث اعتمادسازی در کمترین
زمان بشه، کلید عکاسی از غریبه‌هاست!

مکان و فعالیت‌ها

یکی از سریع ترین راه ها برای جلب اعتماد، اینه که در جایی عکاسی کنی که عکس گرفتن در اونجا کار خیلی عادی ای هست.

یکی از بهترین مکان ها برای این کار، جاهای توریستیه. چون همه توریستا دوربین دارن و از همه چیز و همه کس عکس میگیرن. و این یه چیز طبیعی هست.

این روش به خصوص برای تازه کارا خیلی خوبه. چون با تجربه عکاسی از غریبه ها در یه جای شلوغ و عمومی، متوجه میشی اکثر آدمها نه تنها از اینکه ازشون عکاسی بشه بدشون نیاد، بلکه عده زیادی خوشحال هم میشن! (و البته بخش بیشتری بی تفاوتن!)

وقتی اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردی و فهمیدی گرفتن عکس از غریبه ها چندان چیز عجیبی هم نیست، میتونی توی خیابونا و محله های نه چندان شلوغ و توریستی هم عکاسی کنی.

اما همیشه حریم خصوصی دیگران رو حفظ کن. هیچ وقت از جاهای شخصی و خصوصی مثلا توی محوطه خونه دیگران عکاسی نکن.

قایم نشو!

فکر کن یه نفر پشت یه دیوار واستاده، و یواشکی از بقیه عکس میگیره!

خب اگه این فرد با این حالت مشکوک از منم عکس بگیره حس بدی بهم دست میده و ممکنه واکنش نشون بدم.

برای گرفتن عکس از دیگران قایم نشو و از نگاه بقیه فرار نکن.

اگه در خیابان و یه مکان عمومی در جلوی چشمای همه از دیگران عکس بگیری، حتی اگه کسی مشکلی با گرفتن عکسش داشته باشه، میشه سریع باهاش صحبت کرد.

میشه توضیح داد که عکاس خیابانی هستی و عکسایی که از بقیه گرفتی رو هم نشونش بدی.

بعد بازم اگه قانع نشد با خوشرویی و فروتنی
عکسش رو پاک میکنی و از اینکه مزاحم وقتش
شدی عذرخواهی میکنی.

بعید میدونم بعد از این پروسه نظر اون شخص جلب
نشه.

حالا اینو بذار کنار اینکه یواشکی از دیگران عکس
بگیری و با رفتار مرموزانه باعث جلب توجه بشی.
این طوری حتی اگه کسی متوجه بشه ازش عکس
گرفتی و سوال کنه چرا؟

به راحتی نمیتونی قانعش کنی! چون خودت با رفتار
مشکوکت زمینه اعتمادسازی رو از بین بردی.

منظور اصلا این نیست که عکاسی از غریبه ها نیاز به پوشیدن لباس خاصی داره.

منظورم اینه که بهتره لباس ساده و مناسب موقعیت پوشی که تو رو انسان موجهی جلوه بده و همین طور باعث نشه توی شلوغی انگشت نما بشی.

اگه به کنسرت ها و نمایش ها دقت کرده باشی،

عوامل صحنه برای اینکه دیده نشن و حواس

مخاطب پرت نشه لباس مشکی میپوشن. فکر کن

اگه سبز روشن یا بنفش جیغ میپوشیدن چی میشد؟

بهترین کار پوشیدن لباسی مناسب همون محیطه.

لباسی که اکثر مردم میپوشن. رنگ و مدلی رو

انتخاب کن که باعث جلب توجه نشه.

این نکته به خصوص برای علاقمندان عکاسی

کاندید (candid) و بدون اطلاع سوژه میتونه مورد

استفاده قرار بگیره.



زبان بدن Body Language

زبان بدن و همین طور “تاثیر برخورد اول” یا first impression در عکاسی خیابانی خیلی اهمیت دارد.

رفتار و برخورد مناسب با دیگران، نه تنها در عکاسی، بلکه در زندگی روزمره، باعث اعتمادسازی و احترام متقابل میشه. (حالا بگذریم از چند درصدی که با هیچ زبانی نمیشه باهاشون ارتباط برقرار کرد!) من روانشناس نیستم، اما مطالعه زیادی در این زمینه داشتم که تونسته در عمل کمک کننده باشه.

نکته اول

آدمای خوشبین و خوش برخورد همیشه با واکنش
های بهتری از دیگران روبرو میشن.

سعی کن مثبت فکر کنی. اگه همش نگران باشی که
ممکنه اتفاق بدی بیفته، مثلاً شخصی که ارزش عکس
میگیری عصبانی بشه و بهت حمله کنه،

این اضطراب باعث میشه به کلی از پروسه عکاسی
بدت بیاد.

اریک کیم، عکاس خیابانی امریکایی، در یکی از
کتاباش حرف جالبی زده: عکاسی خیابانی باید
خوش بگذره! اگه میبینی خوش نمیگذره یه جای کار
ایراد داره!

البته همیشه احتمال واکنش های منفی و بد هست و
واسه اکثر عکاسای خیابانی ۱-۲ بار اتفاق افتاده. اما

هیچ وقت به اون وحشتناکی که آدم تصور میکنه
نیست!

نکته دوم

وقتی به یه غریبه برای عکاسی نزدیک میشی، به
چشم های سوژه نگاه کن و لبخند بزن! (با ماسک
که لبخند معلوم نمیشه!)

زبان بدن مناسب، به اندازه ساعت ها حرف و
توضیح باعث ایجاد اعتماد میشه.

نگاهت رو از سوژه ندزد. خجالتی نباش و بدون که
کار بدی انجام نمیدی. رفتار طرف مقابل با تو
بازتاب رفتار خودت هست.



بخش سوم: عکاسی کاندید

عکاسی کاندید Candid Photography

چیست ؟

عکاسی بدون اطلاع سوژه که با عناوینی مثله عکاسی بی هوا و یا صریح هم در فارسی شناخته میشه، به نوعی از عکاسی گفته میشه، که سوژه از گرفته شدن عکسش اطلاع نداره.

طرفداران این سبک، اعتقاد دارن که عکس در این حالت طبیعی تر و واقعی تره و نشانی از تصنع و تظاهر نداره.

این سبک عکاسی در جوامع امروزی خیلی رواج پیدا کرده. و اکثر مردم با عکاسای کاندید توی خیابون برخورد داشتن.

اما هنوز هم برای خیلی از عکاسا، عکاسی کاندید یه چالش محسوب میشه.

بزرگترین بخش این چالش اینه که اگر داشتیم از کسی بدون اطلاعش عکاسی میکردیم و فهمید چیکار کنیم؟

_____ضرا!!!!

نه بابا شوخی کردم!

راه حل در اعتمادسازی!

اینکه در صورتی که سوژه متوجه شد باید چطور
برخورد کرد.

از نظر من اگر در عکسی چهره سوژه واضح و قابل
شناسایی باشد، باید این شخص از عکسی که گرفته
میشه رضایت داشته باشد.

یعنی اگه طرف متوجه نشد ازش عکس گرفتی هم
باید رضایت داشته باشد!

خوب حالا چطور عکس کاندید بگیریم و سوژه هم
رضایت داشته باشد؟

در اینجا ما پروسه اعتمادسازی و رضایت رو به بعد
از گرفتن عکس موکول میکنیم.

باید بعد از گرفتن عکس، به سوژه ات نزدیک بشی.
به چشم هاش نگاه کنی، لبخند بزنی و سلام کنی!

روز بخیر بگی و خودتو معرفی کنی!

— من مهدی هستم. به عکاس خیابانی!

بعد سعی کنی دلیل علاقه ت به گرفتن عکس از اون
شخص رو توضیح بدی.

— شما تیپ خیلی خوبی دارید!

— لبخند شما خیلی زیباته!

— من دنبال ثبت چهره های متفاوت و خاص
هستم.

— تیپ شما فوق العاده اس!

— با این کلمه حابی معرکه شدین!

مطمئن باش نه تنها کار عجیبی نیست، که در بسیاری از موارد طرف مقابل خوشحال میشه.

بعد در مورد عکاسی کاندید و بدون اطلاع سوژه بگی. اینکه برای طبیعی تر شدن و واقعی تر شدن عکس، اجازه گرفتن رو به بعد از پروسه عکاسی موکول کردی.

بین در صورتی که عکس خوبی شده و به قول خودمون آسه، باید حوصله داشته باشی و توضیح بدی و سوژه رو قانع کنی.

و بعد اضافه کنی که در صورتی که رضایت نده عکس رو پاک میکنی.

البته عده زیادی عقیده دارن اصلا نیازی نیست سوژه رضایت داشته باشه. حتی طبق قوانین ایالات

متحدہ عکاسی از اشخاص در مکان های عمومی
آزادہ. و نیازی بہ رضایت اون شخص نیست.
اما در ایران این طوری نیست. نہ قانون و نہ فرهنگ
چندان با گرفتن و انتشار عکس دیگران بدون
اطلاعشون موافق نیستن.
پس راہ حل اخلاقی و قانونی، اعتمادسازی و ارتباط
توام با احترامہ!



بخش چهارم : مواجهه

بسیاری از کسانی که از عکاسی از غریبه ها واهمه دارن، در اصل نگران برخورد و مواجهه منفی سوژه هستن.

ترس برخورد بد و تند یکی از بزرگترین موانع در عکاسی خیابانی هست.

اگه تو هم این حس رو داری، پس این بخش رو دقیق بخون.

بهترین کار بررسی سناریوهای مختلفه که ممکنه اتفاق بیفته.

سناریوهای مختلف در مواجهه با سوژه

۱ - سوژه اصلاً نمی‌فهمه ارزش عکس‌گرفتی.

۲ - سوژه میبینه ارزش عکس‌گرفتی، اما اهمیتی نمیده.

۳ - سوژه تو رو میبینه و واکنش مثبتی نشون میده:
(لبخند، تکان دادن سر، دست تکان دادن و ...) اما
بخت نزدیک نمیشه.

۴ - سوژه تو رو میبینه و واکنش منفی نشون میده:
(سرشو به علامت مخالفت تکون میده، دستشو
جلوی دوربین میگیره، اخم میکنه و ...) اما بخت
نزدیک نمیشه.

۵ - سوژه تو رو میبینه و علاوه بر واکنش منفی بخت
نزدیک میشه!

۶- سوژه تو رو میبینی. واکنش خاصی نشون نمیده.
اما کنجکاو میشه چرا عکس گرفتی و بهت نزدیک
میشه.

خب اگه به موارد ۱ تا ۳ نگاه کنیم، میبینیم این ۳
مورد اصلا نیازی به نگرانی ندارن. چون اصلا به
مواجهه نزدیک ختم نمیشه.

در شماره ۴، چون سوژه واکنش منفی نشون داده،
نیازمند یه نیمچه آمادگی هست.

اما شماره های ۵ و ۶ مواردی هستن که ما باید
آمادگی داشته باشیم تا بتونیم در مقابل اون شخص
رفتار مناسبی نشون بدیم.

بیا اول درباره مورد چهارم حرف بزنیم.

خب وقتی سوژه ای میبینی و دوربین رو میاری
جلوی چشمت که عکس بگیری، و سوژه اخم میکنه،
سرشو به اطراف تکان میده، دستشو جلوی صورتش
میگیره و ... به سادگی میشه فهمید این شخص
علاقه ای نداره ازش عکس گرفته بشه.

این طور مواقع بهتره از عکاسی منصرف بشی و
دوربین رو پایین بیاری و به نشونه احترام سر تکان
بدی یا سلام کنی و یا بگی متاسفم!

این طوری از مواجهه نزدیک با سوژه خودداری
میکنی.

روش خود من این طوره که سعی میکنم واکنش
مثبتی در جواب واکنش منفی طرف مقابل انجام بدم.

مثلا وقتی سوژه اخم میکنه و دست تگون میده که
عکس نگیر، من لبخند میزنم، سر تکان میدم و
میگم سلام.

بعد میرم دنبال یه سوژه دیگه. اگه هم طرف خیلی
عصبانی بشه میگم متاسفم.

نکته: کاری که هیچ وقت نباید در این مواقع انجام
بدی عصبانی شدن و یا پا به فرار گذاشتنه!

تو کار اشتباهی نمیکنی که بخوای در برابر یه
واکنش منفی، فرار کنی و یا به هم بریزی.

تو فقط با آدمی مواجه شدی که دوست نداره
عکسش گرفته بشه! همین.

خونسرد باش و کار تو ادامه بده.

توی ۲ مورد بعدی که به مواجهه ختم میشه و ما باید
با سوژه حرف بزنیم و توضیح بدیم، بهترین کار
صداقته!

داستان سرایی و نگفتن واقعیت پایه های اعتماد رو
خراب میکنه و اغلب اوقات هم، سوژه متوجه میشه.

راستشو بگو! بگو چرا داری عکاسی میکنی. برای
اینتلیجنس سرویس که کار نمیکنی!

بعدها که عکاسی برای مجله ها رو شروع کردم این
جمله تغییر کرد:

“من به عکاس هتم که در حال حاضر برای
مجله خلان و خلان کار میکنم. و دارم در این حوالی
رنبال صحنه ها و سوژه های جذاب میگردم.”



اوایل که عکاسی از غریبه ها و رهگذرای توی
خیابون رو شروع کرده بودم در این طور مواقع
چیزی شبیه این میگفتم:

“من به تازگی یادگیری عکاسی رو شروع کردم و
دارم به پرورش عکاسی شخصی از عکاسی از آدماتو
خیابان رو دنبال میکنم.”

اگه طرف مقابل از اینکه ازش عکس گرفتی و یا
میخواستی عکس بگیری حساسی به هم بریزه، میشه
این عبارت رو هم به حرفات اضافه کنی:

“از اینکه با گرفتن عکس باعث ناراحتی شما شدم
خیلی متاسفم. من دارم عکاسی کاندید (یا عکاسی
خیابانی) رو تمرین میکنم. نگران نباشید. این

عَلَس جایی مشترک نیست. آگه هم تمایل دارید میتونم
عَلَس رو جلو خودتون پاک کنم!"!

آگه اون شخص باز هم سوال پرسید، من واسه عادی
کردن شرایط، گفتگو رو ادامه میدم و درباره کارم و
کارهایی که تا حالا کردم حرف میزنم تا اون فضای
منفی از بین بره.

بعد ازش درباره دلیلی که ناراحت شد، اینکه به
نظرش چیکار کنم که دیگه این طور مواجهه ها پیش
نیاد، یا سوالاتی درباره اون منطقه و جاهایی که
میخوام برم و ... میپرسم.

خیلی وقتا بعد از این حرفا و عادی شدن شرایط،
سوژه نظرشو تغییر میده و میگه نمیخواد عکس رو
دیلیت کنی!

گاهی حتی شماره و یا ایمیل میده که عکس رو
واسش بفرستی.

اگه به عکاسی خیابانی کاندید و بدون اطلاع سوژه
علاقه داری، و توی ایران زندگی میکنی، به نظر
من حتی اگه سوژه تفهیم ارزش عکس گرفته شده
تو بهش نزدیک شو و درباره عکس گرفته شده بگو.
گاهی سوژه میبینه که دوربین رو گرفته با لا و ارزش
عکس گرفته. و اهمیتی نمیده. خب مشخصه که این
شخص مشکلی با گرفته شدن عکس نداره.

اما وقتی عکس گرفته‌ای که چهره شوره مشخص و قابل
شناسایی بود اما اول متوجه گرفتن عکس نشده بود
بهتره بخش بگی.

وقتی عکسو گرفته‌ای با لبخند و احترام نزدیک شو و خودتو
معرفی کن. توضیح بده که به خاطر طبیعی تر شدن
عکس، میخواستی شوره متوجه نشی. و آگه راضی
نیتن عکسون رو پاک میکنی.

چون آگه در آینده بخوای عکس رو منتشر کنی بهتره
رضایت شوره رو از قبل داشته باشی.

طبق اصول اخلاقی ای که من دارم، آگه چهره
شوره در عکس مشخص و قابل شناسایی هست،
اول شخص باید بدونی که ارزش عکس گرفته شده و
باید ارزش اجازه گرفته بشی.



بخش پنجم: شروع عکاسی

وقتی توی خیابون داری دنبال پس زمینه و سوژه جذاب میگردی، زمانی میرسه که شخصی رو میبینی که حس میکنی باید ارزش عکس بگیری.

در ابتدای عکاسی خیابانی، برای عکاسای تازه کار، به خصوص کسانی که خجالتی هستن، همین بالا آوردن دوربین و گرفتنش به سمت سوژه هم خیلی سخت و اضطراب آورده.

چون معمولاً فکر میکنن ممکنه اتفاق وحشتناکی رخ بده!

من به عکاسای تازه کار توصیه میکنم کار با دوربین و ابزارهای عکاسی رو خوب یاد بگیرن.

چون گاهی میشه با دانش فنی، میشه روی سایر
ضعف ها سرپوش گذاشت!

یکی از مزایای یادگیری و شناخت ابزار کار اینه که
میتونی از اون برای پر کردن نقاط ضعف استفاده
کنی.

خب حالا چطور از دانش فنی و ابزارها برای گرفتن
عکس های خیابانی استفاده کنیم؟

امتیاز داشتن لنزهای واید

لنز واید به لنزهایی گفته میشه که فاصله کانونی
شون از قطر نگاتیو یا سنسور دوربین کمتر باشه.

این لنز واسه عکاسی در جاهایی که امکان عقب رفتن عکاس برای قرار گرفتن تمام سوژه در کادر نباشه، بهترین انتخاب هستن.

با استفاده از این لنز میشه فضای بیشتری رو در عکس جا داد.

لنز واید، دیدی وسیع تر از چشم انسان داره. یعنی فضای بیشتری از چیزی که چشم انسان میبینه رو پوشش میده.

به لنزهای ۲۴ میلی متری به پایین لنزهای زاویه باز یا واید میگن.

البته نباید فراموش کرد که استفاده از لنز واید باعث انحراف و کج شدن عکس هم میشه!



لنز معمولی



لنز واید

از اونجایی که لنزهای واید میدان دید بزرگتری رو پوشش میدن، میتونیم از این مزیت به نفع خودمون استفاده کنیم.

با استفاده از لنزهای واید، میتونی در حالی که زاویه دوربین به سمت دیگه ای هست، بدون اینکه دوربین رو مستقیم به سمت سوژه بگیری، اونو در کادر عکس قرار بدی.

مثه این میمونه که کسی رو با گوشه چشم و دید محیطی نگاه کنی و زیر نظر بگیری.

هر چه زاویه لنز بازتر باشه عناصر بیشتری رو میتونیم در کادر قرار بدیم.

حتی اگه همه عکس رو هم نخوایم، در مرحله ویرایش میتونیم عکس رو کراپ کنیم.

دوربین رو بالا نیار!

اگه دوربینت نمایشگر تاشو و یا چرخشی داره میتونی از این مزیت به نفع خودت استفاده کنی.

میتونی در حالی که دوربین رو از گردنت آویزون کردی، کادربندی و ترکیب بندی رو با همون نمایشگر انجام بدی و عکس بگیری.

بین اصولا بقیه وقتی ما دوربین رو تا ارتفاع صورت بالا بیاریم فکر می کنن که داریم ازشون عکاسی میکنیم.

اما وقتی در مقاله سینه و یا شکم باشه انگار داری عکسای دوربین رو مرور میکنی، اما میتونی عکس بگیری.

اتصال دوربین به گوشی

دوربین های دیجیتال امروزی رو میشه به راحتی به گوشی موبایل وصل کرد. و چیزی که منظره یاب دوربین نشون میده رو روی صفحه گوشی دید.

با استفاده از این مزیت، ما میتونیم وقتی دوربین از گردن آویزونه و یا با دست به سمتی گرفتیم که

نمیتونیم منظره یاب رو ببینیم، تصویر زنده منظره
یاب رو روی گوشی داشته باشیم.

و از روی صفحه گوشی ترکیب بندی رو انجام بدیم
و سوژه رو در جای مناسب قرار بدیم و عکس
بگیریم.



چطور از غریبه ها تقاضای عکاسی کنیم؟

راه هایی که توی بخش قبل گفتم، به خاطر این بود که در ابتدای کار شاید نتونی مستقیم به سمت غریبه ها بری و ازشون عکس بگیری.

و یا اول تقاضا کنی و بعد عکس رو بگیری.

نزدیک شدن به غریبه ها و تقاضای گرفتن عکس، چیزیه که بین شخص تا شخص و عکاس تا عکاس فرق میکنه.

وقتی یه مدتی عکاسی خیابانی رو تجربه کنی، و با غریبه های توی خیابان صحبت کنی و آشنا بشی، میبینی با هر کسی باید به شکلی رفتار کرد.

و اینکه رفتار عکاس با سوژه خیلی مهمه و اون هم به شخصیت و کاراکتر عکاس بستگی داره.

اما از نظر من بهترین راه برای نزدیک شدن به غریبه ها و تقاضای عکاسی، اینه که به سادگی همین کار رو انجام بدی.

یعنی به سوژه نزدیک بشی و ازش بخوای که اجازه بده عکسشو بگیري!

البته تکنیک هایی که در بخش های قبل این کتاب مرور کردیم، مثل: ارتباط چشمی، لبخند، ادب و متانت و ... هم در این پروسه خیلی نقش دارن. توضیح دادن دلیل اینکه چرا از غریبه ها عکس میگیری؟ چرا این شخص رو انتخاب کردی؟

و اینکه بعداً از عکسش ممکنه چه استفاده ای بشه؟
و ... باعث میشه اعتمادسازی به سرعت شکل
بگیره. و سوژه احساس راحتی کنه.

و البته اگه عکاسی از این سوژه خیلی واست اهمیت
داره میتونی بیشتر وارد جزئیات بشی و درباره
خودت و کارت و پروسه توضیح بدی و زمانی که
میبره و ...

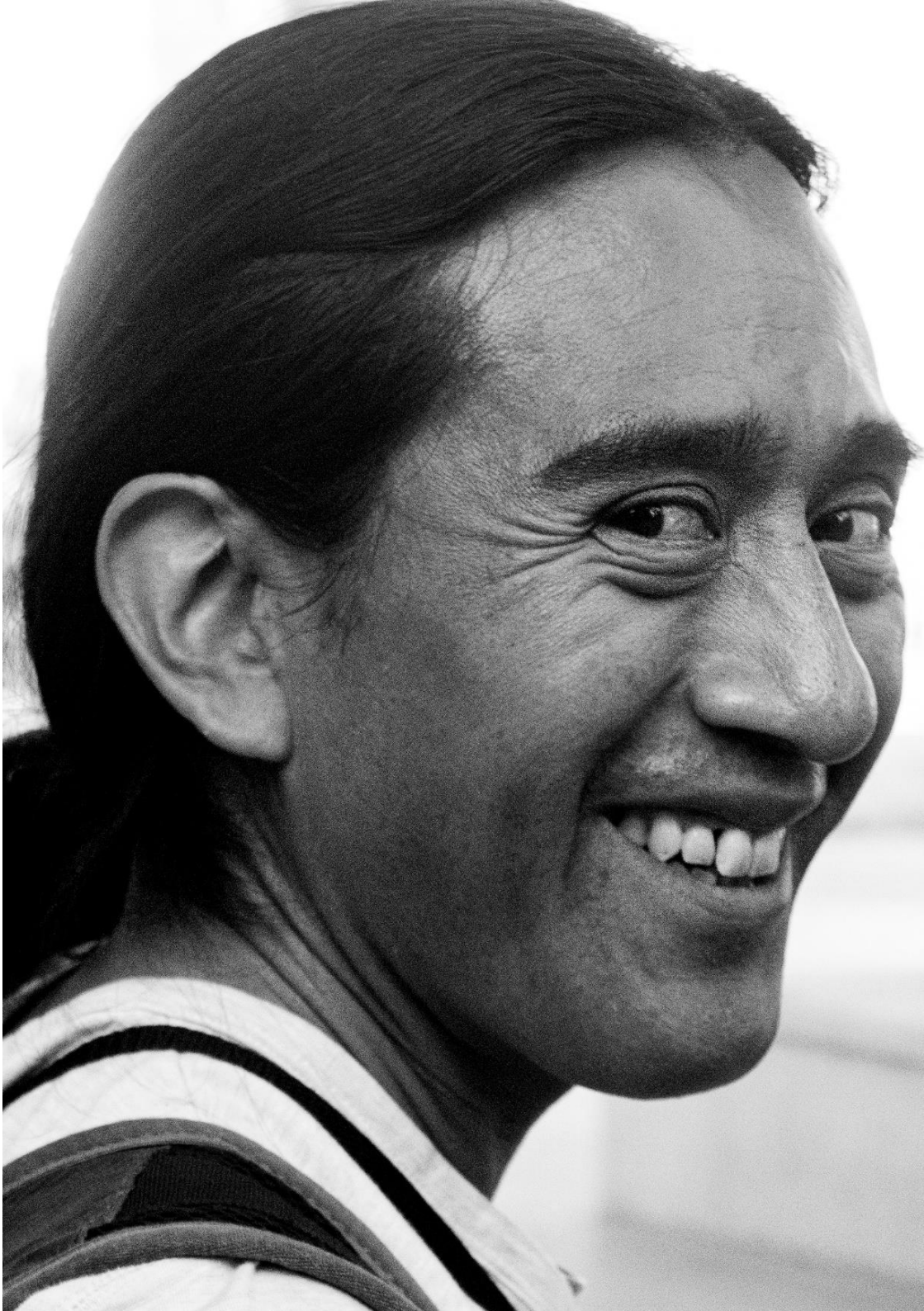
هر چه بهتر اعتماد سازی کنی احتمال گرفتن جواب
منفی کمتر میشه.

باید اینو بدونی و بپذیری که هر کسی حق داره
اجازه نده ارزش عکس بگیریم.

این اجازه ندارند و جواب متغی گاهی باعث میشه به
سری از عکاس در درشن و یا فکر کردن متغی
دارن و یا کاری رو اشتباه انجام دادن!

نهایتاً فقط با به رهنظر رویدو شدی که دوست نداره
ازش عکاسی بشه و واسه خودش هم دلایلی داره.
ممکنه همین شخص فردا توی موردیگه ای باشه و
خوشحال بشه کسی ازش عکاسی بگیره!

منظورم اینه این طور نباشه که به جواب متغی و یا حتی
تند، باعث بشه تو اعتماد به نفست رو از دست بدی و
به کل بی خیال چیزی که بهشت شوق داری
بشی!



شروع به کار

مسیر عکاسی هر کسی با ویژگی های شخصیتی متفاوت، میتونه منحصر بفرد باشه.

اما بر اساس تجربیات خودم، چند راهکار برای شروع کار بهت پیشنهاد میکنم:

۱- با عکاسی کاندید شروع کن.

قبلا درباره عکاسی کاندید صحبت کردیم.

یه راه خوب و مناسب برای شروع عکاسی از غریبه ها، عکاسی کاندید هست.

برای این کار به جای شلوغ برای عکاسی از رهگذرا
پیدا کن و شروع به عکاسی کن.

اگر کسی متوجه شد داری ازش عکس میگیری، به
جای تلاش برای ناپدید شدن، تلاش کن باهاش ارتباط
برقرار کنی و نشون بدی کار عجیب یا غیرقانونی
نمیکنی.

منظور از برقراری ارتباط این نیست که حتما باید بهش
نزدیک بشی و سر صحبت رو باز کنی.

بلکه همین که از فاصله ای که داری لبخند بزنی، به
نشونه سلام سر تکیه بدی و به دوربینت اشاره کنی،
انگار داری میگی: میشه ازتون عکس بگیرم؟!

با این روش بدون اینکه بخوای حرف بزنی، با زبان بدن از اون شخص اجازه گرفتی.

۲- با یه دوست برای عکاسی پرو!

اگه خجالتی هستی و از اینکه در مقابل سوژه بتونی راحت حرف بزنی واهمه داری یکی از دوستان که بهتر در مواجهه با غریبه ها حرف میزنه و دست و پاشو گم نمیکنه با خودت ببر.

به دوستت بگو که داری میری بیرون که عکاسی کنی اما نگرانی در مواجهه با دیگران دست و پاتو گم کنی.

مثل اینه که یه سخنگو با خودت میبری!

البته این فقط برای شروع کاره.

وقتی بینی در اکثر مواقع بدون حرف زدن و توضیح خاصی بقیه با گرفته شدن عکسشون مشکلی ندارن، دیگه دفعات بعد میتونی به تنهایی برای عکاسی بری.

اگه هم در حلقه دوستات کسی رو داری که در عکاسی خیابانی و عکاسی از غریبه ها تجربه داره که بهترین کار اینه چندین بار با هم برید عکاسی. و سعی کنی ازش روش کار و رموز ارتباط با سوژه رو یاد بگیری.

۳- به یه گروه یا کارگاه عکاسی خیابانی ملحق

شو!

یکی از بهترین و لذت بخش ترین کارا، عکاسی گروهیه. اینکه در کنار کسانی باشی که دغدغه ها و رویاهای مشترک دارن و به کاری که انجام میدن شوق دارن.

عکاسی گروهی نه تنها باعث میشه روز دلچسبی داشته باشی و کلی عکاسی کنی، بلکه از هر کسی میتونی چیزی یاد بگیری.

اگه هم در اطرافت کارگاه عکاسی خیابانی برگزار میشه، خیلی خوبه که شرکت کنی و در کنار دیگران عکاسی کنی و از تجربیات اساتید و همین طور عکاسای آماتور استفاده کنی.

اینکار اعتماد به نفس آدم رو بالا میبره. وقتی میبینی
عده زیادی کاری که تو دوست داری رو، با اشتیاق
دنبال میکنن آدم انگیزه میگیره و کارشو با جدیت
ادامه میده.

۴- فقط پیر!

تا حالا شده بخوای از ارتفاع توی آب پیری؟! دیدی
لحظه آخر آدم از بالا که به پایین نگاه میکنه و مردد
میشه؟ پیرم ... نپرم ...؟!!

این طور وقتا انواع فکرای منفی ذهن رو قرق
میکنن. بهترین کار اینه که بدون فکر کردن پیری!
بیشتر وقتا بخش اعظم نگرانی های ما چیزایی
هستن که اتفاق نمیفتن!

گاهی بیش از حد فکر کردن به چیزی، فقط نگرانی
و تردید رو بیشتر میکنه.

بخت پیشنهاد میکنم برای اجرای این تمرین، وقتی
توی خیابون هستی، بدون تردید و فکرهای منفی، به
سمت یه غریبه برو و ازش درخواست کن که
عکشو بگیري!
وای! خیلی ترسناکه؟!

اما هیچ اتفاقی نمیفته. اون شخص یا میگه آره و یه
نه! مطمئن باش بخت شلیک نمیکنه!
اریک کیم، عکاس خیابانی معروف آمریکایی، یه
تمرین خیلی جالب، چالشی اما تاثیرگذار داره.

میگه یه روز که برای عکاسی رفتی بیرون باید
اونقدر از رهگذرا پرسسی که میتونی ازشون عکس
بگیری یا نه، تا ۵ جواب مثبت و ۵ جواب منفی
بگیری.

یعنی اگه ۵ تا منفی رو گرفتی باید اینقدر ادامه بدی
تا ۵ تا مثبت هم بگیری. یا برعکس.

این تمرین که میتونه در بایدا ترسناک به نظر برسه
باعث میشه ببینی درخواست عکاسی از دیگران چیز
عجیبی نیست و واکنش خیلی از آدم ها بهتر از اون
چیزیه که فکر میکنی.

پس به جای تردید، مستقیم میری به سمت سوژه و
طبق چیزایی که توی فصل های قبلی گفتیم، ارتباط

برقرار میکنی و اعتمادسازی میکنی و تقاضای
گرفتن عکس میکنی! یادت باشه، شک نکن فقط
بپر!

پایان.

“

من عاشق آدمایی هستم که از شون
عکس می گیرم. اونا دوستای من
هستن. من بیشتر شون رو قبلا ندیده ام
و نمیشناسم ، اما از طریق عکسهام
باهاشون زندگی می کنم .
بروس گیلدن